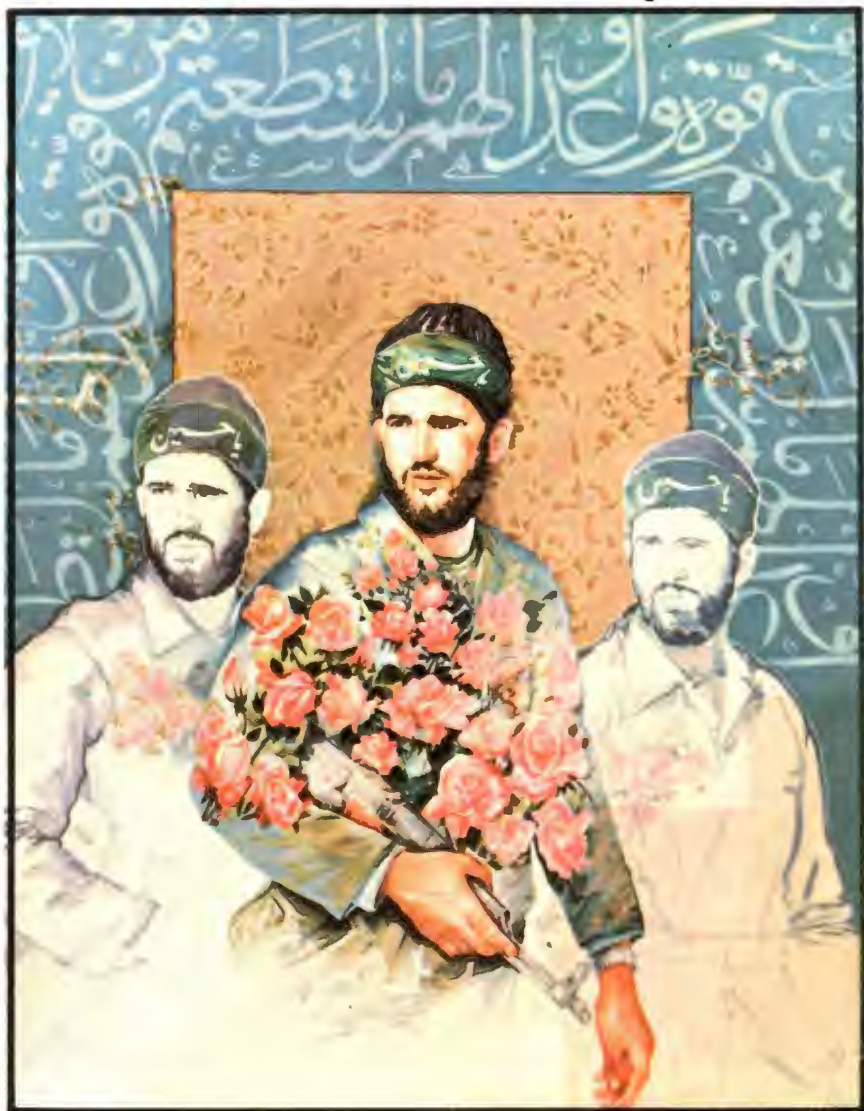


# سربازان عشق



محمد علی مردانی



مرکز فرهنگی

قیمت : ۱۴۵۰ ریال

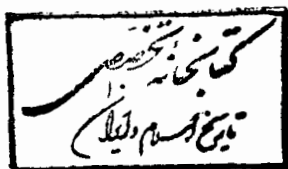




# سربازان عشق

مجموعه شعر

سرداران رشید سپاه اسلام





معاونت انتشارات مرکز فرهنگی سپاه - مدیریت امور کتاب

نام کتاب: سریداران عشق (مجموعه شعر)

شاعر: محمدهلی مردانی

تهیه کننده و ناشر: مرکز فرهنگی سپاه

چاپ اول: ۱۳۷۵

تیراژ: ۵۰۰۰ جلد

حروفچینی و صفحه آرای: مرکز فرهنگی سپاه

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: مرکز چاپ سپاه

تلفن مرکز پخش: ۸۱۰۳۲۹۸ - ۸۹۰۵۸۸

«حق چاپ محفوظ»

(این کتاب با استفاده از کاغذ حمایتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به چاپ رسیده است.)

## فهرست مطالب

### صفحه عنوان

- ۷ □ سردار قرآن (شهید حجة الاسلام والمسلمین حاج شیخ فضل الله محلاتی)
- ۱۱ □ پاسدار حق (شهید حجة الاسلام والمسلمین حاج شیخ عبدالله میثمی)
- ۱۳ □ جلوة عشق (شهید حجة الاسلام والمسلمین مصطفی رذانی پور)
- ۱۵ □ پاسدار ولایت (شهید یوسف کلاهنوز)
- ۱۹ □ پیرو رهبر (شهید محمد بروجردی)
- ۲۳ □ عاشق پیر خمین (شهید حسن باقری)
- ۲۷ □ رزمنده مجاهد (شهید مجید بقایی)
- ۲۹ □ علمدار حسین (ع) (شهید حاج حسین خرازی)
- ۳۱ □ سردار دلیر (شهید حاج محمدابراهیم همت)
- ۳۵ □ یاور دین (جاویدالتر حاج احمد متوسلین)
- ۳۹ □ سردار بدر (شهید مهدی باکری)
- ۴۱ □ شهید صادق (شهید مهدی زین الدین)
- ۴۳ □ خورشید بدر (شهید اسماعیل دقایقی)

- ۴۵ □ شمع فروزان (شهید سید محمدعلی جهان‌آرا)
- ۴۹ □ شمع محفل (شهید حسن شفیع‌زاده)
- ۵۱ □ سر‌بدار عشق (شهید محمود کاوه)
- ۵۵ □ اختر فتوت (شهید حاج عباس کریمی)
- ۵۷ □ طایر خوشنوا (شهید سیدمحسن صفوی)
- ۶۱ □ قربانی قرآن (شهید ناصر کاظمی)
- ۶۳ □ دلیر سرفراز (شهید سیدکاظم کاظمی)
- ۶۷ □ سردار سرفراز (شهید علی رضائیان)
- ۶۹ □ خورشید فروزان (شهید محمود ستوده)
- ۷۱ □ سردار جاویدان (شهید سیدمحمدرضا دستواره)
- ۷۵ □ فجر عشق (شهید غلامرضا صالحی)
- ۷۷ □ آفتاب تابان (شهید سیدباقر طباطبائی‌نژاد)
- ۸۱ □ گلستان آزادی (شهید غلامرضا آزادی)



تقدیم به:

روح بلند پیشوای مسلمانان جهان و رهبر بزرگ امت اسلام  
حضرت امام خمینی (ره) همو که درس جهاد، شهادت و استقامت را  
به فرزندان ایشارگش و همه دلیرمردان و سردارانی که در نبرد  
تمامی اسلام با همه کفر، برای عظمت اسلام و سربلندی ایران  
اسلامی به ستیز با خصم برخاستند، آموخت.

تقدیم به:

وارث بحق روح الله، مقام عظمای ولایت، رهبر معظم انقلاب  
حضرت آیت الله العظمی خامنه ای.

تقدیم به:

سردارانی که جان بر سر پیمان نهادند و شهد شهادت را  
نوشیدند.

\* خون پاك صدها هنرمند  
فرزانه در جبهه‌های عشق و شهادت  
و شرف و عزت، سرمایه زوال‌ناپذیر  
آنگونه هنری است که باید به تناسب  
عظمت و زیبایی انقلاب اسلامی،  
همیشه مشام جان زیبا پسند طالبان  
جمال حق را معطر کند.

حضرت امام خمینی (ره)

\* پیام انقلاب باید به زبان  
شعر و هنر که اصیل‌ترین و  
خالص‌ترین و گیراترین زبانهاست،  
منتقل شود.

مقام معظم رهبری



سرمداران

حجت الاسلام والمسلمین  
شهید حاج شیخ فضل الله محلاتی نماینده  
حضرت امام (ره) در سپاه

بار دگر دست ستم با تیغ بیداد  
از آستین دشمن قرآن به در شد  
تا بر رخ خورشید گرد غم فشانند  
دیو ستم بر جیش رحمان حمله ور شد

■

صدام آن مزدور شرق و غرب خونخوار  
در مطلع فجر توانمندان اسلام  
تا بر شکست خویش سرپوشی گذارد  
افکند در راه سپهداران دین دام

زان رهزن دیوسیرت سَفَاک بی دین  
شد در جهان صد فتنه خوابیده بیدار  
از فعل زشت خویشتن جانی بغداد  
یک بار دیگر کرد دنیا را خبردار

■

این بار عاشورا به پا در آسمان شد  
آنجا به ما لاهوتیان دمساز گشتند  
تا نهضت حق را شکوهی تازه بخشند  
با ما در آن هنگامه هم آواز گشتند

■

خون چهل تن از سرافرازان اسلام  
زیب فضا گردید و بر بال ملک ریخت  
زین درد دامان شفق شد پر ستاره  
زین داغ دل خونابه از چشم فلک ریخت

■

هر چند سوک این چهل سردار قرآن  
بر دوش اسلام است از کوهی گرانتر  
اما چه غم کز خونشان تا روز محشر  
گردد نهال دین پیغمبر، تناور

■

خون چهل روحانی و سرباز آگاه  
بر نهضت اسلام، جانی تازه بخشید  
تا بشکند سدّ عناد و کفر و کین را  
توفنده توفان گشت و تا کیوان خروشید

■

فضل خدا شد شامل فضل الله ما  
فیض شهادت یافت از خلاق داور  
با همراهانش شد فدای راه قرآن  
مردی که بُد چشم سپاه و یار رهبر



در سوک این مردان میدان حقیقت  
جاری سرشک غم بود از چشم عالم  
ساید فلک سر در بر پیر جماران  
تا عرضه دارد تسلیت او را در این غم



مردانی این آزادمردان الهی  
دادند جان تا دین حق جاوید گردد  
تا نهضت ما با طلوع نور مهدی (عج)  
در حضرت حق در خور تأیید گردد

اهواز - ۱۳۶۴





پاسدار حق

حجّت الاسلام والمسلمین  
شهید حاج شیخ عبدالله میثمی  
نماینده حضرت امام<sup>(ره)</sup> در قرارگاه خاتم الانبیاء<sup>(ص)</sup>

حجّت حق، میثمی آن پاسدار علم و دین  
انقلابی مرد والا قدر حق جوی وزین

سر فرازی کز پی اجرای حق در کارزار  
نقش جانش بود مهر اولیای راستین

پاسدار حق بُد و همواره در راه جهاد  
بود بارزم آوران سنگر حق همنشین

بر خط سرخ حسینی از ازل بنهاده سر  
پیرو روح خدا آن شمع بزم متقین

در کنار لشکر پر شور ختم الانبیا<sup>ص</sup>  
همقدم با جان فدا یاران ختم المرسلین<sup>ص</sup>

در مصاف دشمن قرآن و دین در انقلاب  
با بسیج و پاسدار و سربدار بی قرین

یافت فرصت تا به فرمان محلاتی نهد  
سر به امر رهبر و فرمانده اهل یقین

پاسدار لشکر حق بود و اندر سینه داشت  
حب آل الله را روشنتر از دُر ثمین

داد همچون میثم تمار جان در راه عشق  
تا رضا باشد ز کارش خالق جان آفرین

شد فدا در راه دین و خط آزادی گرفت  
از کف مولای خود یعنی امیرالمؤمنین

شمع تاریخ جهان خون شهیدان است و بس  
خاصه عبدالله که باشد نقش مهرش در جبین

تا ابد باشد قرین رحمت و غفران حق  
حجت حق میثمی آن پاسدار علم و دین





سید عالم

حجت الاسلام والمسلمین  
شهید مصطفی ردانی پور،  
فرماندهٔ قرارگاه فتح

هر کس که بود رضای حقش منظور  
باید که رها کند دل از بند غرور

از نیک و بد زمانه غافل نشود  
آید به نظر، حکایت ظلمت و نور

از این عالم که مزرع آخرت است  
جز کشتهٔ عمر کس نبرده است به گور

رحمت طلب از خدا که با جلوهٔ عشق  
جز حُلّهٔ مغفرت نپوشد مغفور

هر دل که ز یاد دوست غافل نشود  
هرگز به مقام و زر نگردد مغرور

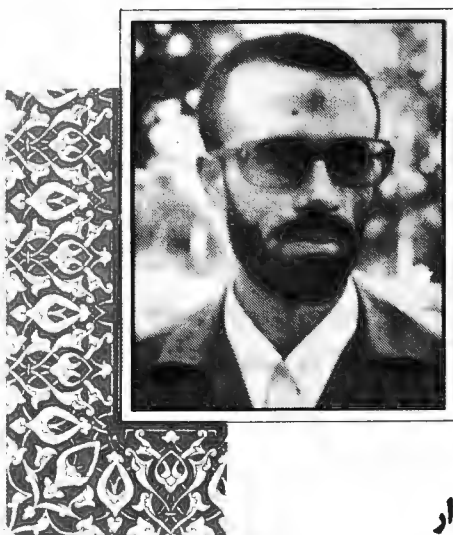
در جبهه به خون نگاشت هر کس خط عمر  
در محضر داور است سعیش مشکور

در روز جزا نور خدا می تابد  
بر عارض مصطفای ردّانی پور

هر چند که گشت جسم پاکش مفقود  
بر دفتر عشق نام او بخشد نور

یارب به شهیدان سرافراز وطن  
کن نعمت عشق را به یاران موفور

لطفی که پی دفع ستم از عالم  
خورشید حقیقت کند اعلام حضور



جاسدار ونگ

سردار سرلشکر پاسدار  
شهید یوسف کلاهدوز  
قائم مقام فرمانده کل سپاه

چون کرد خصم دون علم جنگ استوار  
زد آتش ستم به بر و بوم این دیار

این کینه توز دشمن بی ننگ و عار کیست؟  
کز کین فکند بر دل اهل ولا شرار

مزدور پست و خائن ناچیز شرق و غرب  
عاری ز حرمت و شرف و خرد اقتدار

برخاستند از پی دفعش ز هر طرف  
نامآوران مؤمن مردان کارزار

سردار سرِ پدار دلاور کلاه‌دوز  
بهر دفاع دین چو یکی نخل استوار

با شور و عشق از پی فرمان رهبری  
یوسف صفت به مصر بقا گشت رهسپار

در التزام لشکر اسلام همقدم  
بودند بر عنایت یزدان امیدوار

در غرب و در جنوب ز فکر بلند خویش  
بس آفرید در صف پیکار افتخار

بهر حضور مهدی موعود آن بزرگ  
تا وقت نزع داشت به ره چشم انتظار

در رجعت عظیم رجایی و باهنر  
مجروح گشت و ماند از آن عرصه، یادگار

بگذشت روز چندی و در آسمان عشق  
با جمعی از سران و دلیران نامدار

طی شد بدون منت پا راه آن شهید  
شد میهمان سفره احسان کردگار

۱۳۶۰ - بعد از عملیات ثامن الائمه (ع)





سرلشگر پاسدار  
شهید محمد بروجردی  
فرمانده قرارگاه حمزه سیدالشهدا<sup>(ع)</sup>

بروجردی آن آفتاب منیر  
سر سرکشان قهرمان دلیر

به هنگام سربازی آن حق مدار  
ز چنگال دشمن به عزم فرار

پی جنگ با دشمنان در عراق  
روان گشت با شور و با اشتیاق

بجنگید با دشمن خیره سر  
ولی شد اسیر اندر آن بوم و بر

زمانی به زندان دشمن فتاد  
چو گردید آزاد آن نیکزاد

به همدستی یاوران امام  
عراقی و چمران والا مقام

به سوریه و خاک لبنان شتافت  
به جان و دلش نور حق راه یافت

چو نهضت به فرمان حق پا گرفت  
گل نور بر سینه‌ها جا گرفت

محمد پس از فتح چندین مکان  
ز چنگ شیاطین و اهریمنان

مهیّا به سوی مهاباد شد  
روان بهر پیکار بیداد شد

در آن خاکدان با دلیران کرد  
ره عدل و احسان به نیکی سپرد



به همراه یاران با داد و دین  
برآورد بنیاد از کفر و کین

چه بُد پیرو خاص خط امام  
به سر برد دائم به صوم و سلام

ز نیکویی آن سپهدار دین  
ز عشقش بر این نهضت راستین

همین بس که چون دیده زین دهر بست  
محبّ و عدو در عزایش نشست

چنان زیست در این فراز و فرود  
که دشمن جوانمردیش را ستود

پس از سالها در طریق وداد  
به فرمان حقّ مبین سر نهاد

به راه رضای خدا آن وحید  
به فوز عظیم شهادت رسید

۱۳۶۲- قبل از والفجر ۲





حاج میر حسین

سردار سرلشکر پاسدار  
شهید غلامحسین افشردی (حسن باقری)  
جانشین فرمانده نیروی زمینی سپاه

باقری آن شمع بزم اهل دل  
آن که سرو از قامتش بودی خجل

میر و سرداری رشید و بی قرین  
پاسدار دین و قرآن مبین

سربداری پاکدین و سرفراز  
پاکبازی بی نیاز و اهل راز

اهل هیات بود و با عترت قرین  
خاکسار اهل بیت طاهرین

بود اهل منطق و صاحب سخن  
عامل قرآن و شمع انجمن

در بر یاران به نام مستعار  
به غلامی حسینش افتخار

گاه افشردی بدو گه باقری  
لیک جاننش از دو نیت بُد بَری

آن دلاور قهرمان سرفراز  
بود در میدان دلیر و یگه تاز

داشت در تحلیل و تفسیر خبر  
قدرتی از همقطاران بیشتر

پیش دشمن همچو کوه استاده بود  
مرحله در مرحله آماده بود

بود چون دلدادۀ کوی حسین  
بود از جان عاشق پیر خمین

جنگ را مسؤولیت بسیار داشت  
سینه‌ای سوزان و آتشبار داشت

لحظه‌ای از یاد حق غافل نبود  
جز فداکاری و را حاصل نبود

عاقبت شد پیکرش آماج تیر  
آن دلیر سرفراز بی نظیر

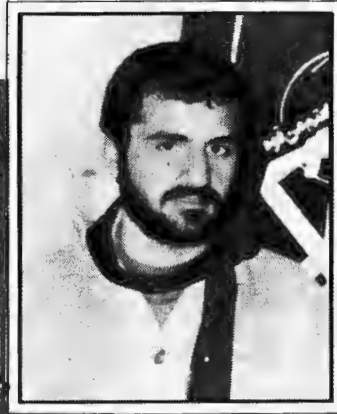
لحظه تودیع آن نور دو عین  
داشت بر لب ذکر مولایش حسین<sup>(ع)</sup>

با حضورش رخت از دنیا گرفت  
در جنان در سایه‌اش ماوا گرفت

قبل از والفجر مقدماتی - ۱۳۶۱



## روزنامه جامه



سردار سرلشکر پاسدار  
شهید مجید بقایی،  
فرماندهٔ قرارگاه کربلا

دوش از سروشم آمد بر گوش جان ندایی  
آهنگ دلنشینی گلبانگ دلفزایی

آمد به گوش جانم خوش این ندا که می گفت  
مست از می ولا شو گر عاشق بقایی

گر طالب بقایی بشنو نوای ما را  
زان نی که می نوازند مستان نینوایی

آن بانك روح پرور هوشم ربود از سر  
دل باختم به دلبر تا بخشدم نوایی

می خواند در دل شب این دلنشین دعا را  
سردار لشکر حق میر سپه بقایی

قید خودی گسستم در پای او نشستم  
هر در که بود بستم جز باب آشنایی

چون دید بینوایم از قید تن رهایم  
سر سوده ام به پایش با کاسه گدایی

بر زد ندا که برخیز از ما و من بپرهیز  
مست از می ولا شو گر دوستدار مایی

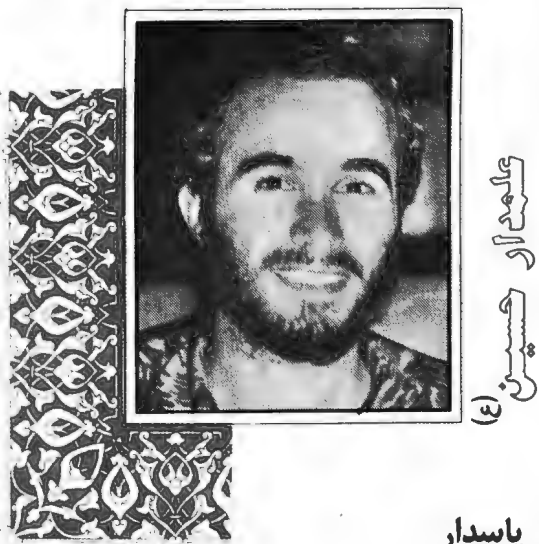
عشقم چو دیده بگشود دیدم به کوی معبود  
آن ماه نازنین بود گرم سخن سرایی

داده ز کف دو پا را سجده برد خدا را  
تا سوی کرلا بیش سازند رهنمایی

او را به خویش خواندند جان در رهش فشانند  
بر تخت گل نشانند یاران کر بلایی

آری شهید شاهد رزمنده مجاهد  
تا محشرات ساجد در محضر خدایی





سردار سرلشکر پاسدار  
شهید حاج حسین خرازی،  
فرمانده لشکر ۱۴ امام حسین<sup>(ع)</sup>

مظهر مهر و وفا خرازی  
شمع ایوان صفا خرازی

پیرو راه علمدار حسین  
صاحب سیره انصار حسین

بود با زاده زهرا همنام  
میر و سردار سپاه اسلام

در کفشی بود خط پیر خمین  
داد جان در ره فرمان حسین

متقی مرد و سرافراز و دلیر  
عارف اسوه بی مثل و نظیر

برترین اسوه میدان یلی  
یار و فرمانبر فرزندان علی

در دل سنگر و میدان نبرد  
بود رزمنده یلی پر دل و فرد

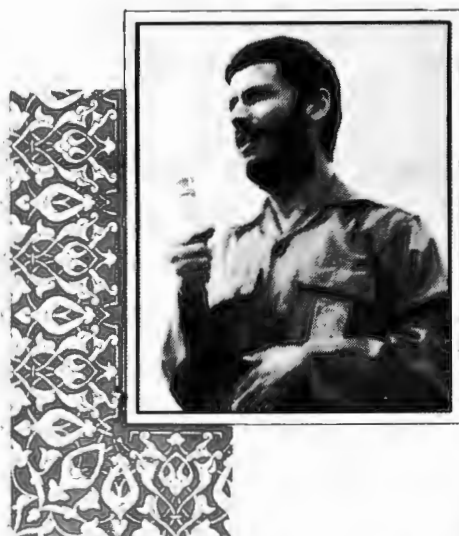
سالها در بر دشمن چون کوه  
آن بزرگ افسر فحل نستوه

از پی دفع ستم می کوشید  
عاقبت شهد شهادت نوشید

کرد جان در ره اسلام فدا  
تا شود دین خدا پابرجا

رحمت حق به روان پاکش  
تا ابد لاله دمد از خاکش

کربلای ۵ - ۱۳۶۵



سردار

سردار سر لشکر پاسدار  
شهید حاج محمد ابراهیم همت  
فرمانده لشکر ۲۷ محمدرسول الله ﴿ص﴾

همت آن سرو گلستان کمال  
پیرو سیره پیمغیر و آل

سالک مکتب قرآن مبین  
نکته پرداز سخن سنج و متین

طالب علم خریدار سخن  
بهترین یار وفادار سخن

آن مسیحا نفس ایمانی  
صاحب منزلت انسانی

گلی از گلشن زیبای ادب  
پیر و مکتب مولای عرب

بود در کودکی آن گوهر پاک  
صاحب هوش و کمال و ادراک

در عطا و کرم و بخشش و جود  
کس چو او در همه آفاق نبود

داشت پیمان الستی با یار  
سرخوش از جام وصال دلدار

عاشق و واله و شیدای علی<sup>(ع)</sup>  
جامه اش حرز تولای علی<sup>(ع)</sup>

عارفی سالک و دلدادۀ دوست  
صاحب درك خدادادۀ دوست

پاسدار حرم پاک رسول  
پیر و نهضت فرزند بتول

داشت در جبهه به دشمن پیکار  
بود بر لشکر احمد<sup>۱۳۱</sup> سردار

گاه در غرب و گهی خاک جنوب  
بود دشمن به نبردش مغلوب

چون که پرچم به دل خیبر زد  
بر دل دشمن حق خنجر زد

بت شکن بود چنان ابراهیم  
صاحب معرفت و عقل سلیم

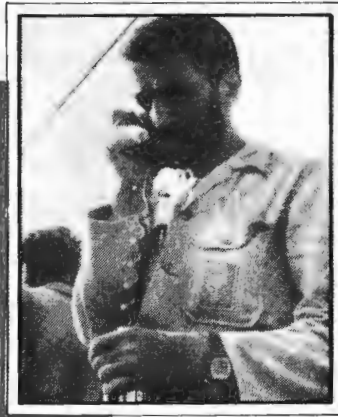
عاقبت آن سرو سردار دلیر  
داد جان در ره دین از تف تیر

در ره دین، محمد جان داد  
سر به راه هدف و ایمان داد

رفت و بر جمع شهیدان پیوست  
بر حسین آن شه خوبان پیوست

خیبر - ۱۳۶۲





یاور دین

سردار سرلشکر پاسدار  
جاوید الاثر حاج احمد متوسلین،  
فرمانده لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص)

سرور و سرخیل عاشقان فداکار  
مشعل تاریخ سالکان ره یار

افسر و سرلشکر سپاه محمد  
پیرو حق رهسپار راه محمد

نادره سرباز آستان حسینی  
عاشق جانباز پاکباز خمینی

آن سَمی احمد، ستوده داور  
یاور دین خدا مطیع پیمبر

چون متوسل بُدی به حضرت ایزد مَنان  
زین لقبش افتخار بود فراوان

بود به فصل جوانی آن گهر پاك  
دشمن طاغوتیان ملحد بی باك

از دل زندان و رنجهای فراوان  
داشت به خاطر بسی ز دشمن نادان

بعد رهایی ز بند همره یاران  
گشت مهیا برای خاک مریوان

در اثر سعی حاج همت و احمد  
یافت بنا پایه سپاه محمّد

در سفری آن بزرگ افسر دوران  
عازم سوریه گشت و کشور لبنان

شد ز ورودش خبر چو دشمن بی دین  
بست زهر سو ره نجات از وی کمین



رغم مصونیت آن ستوده داور  
با سه تن از دوستان و همره دیگر

گشت گرفتار دام دشمن بیداد  
همچو غزالی که هست در کف صیاد

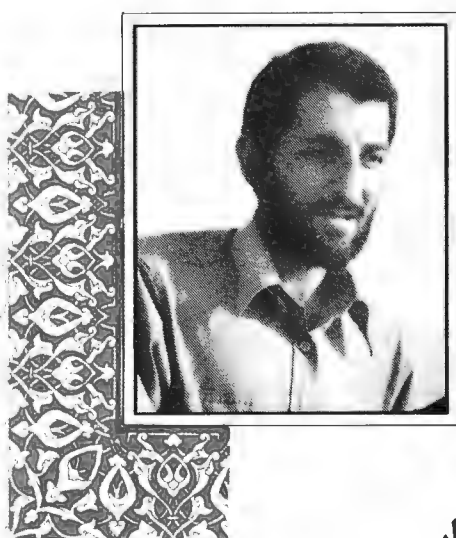
گر چه نشان نیست زان بزرگ سپاهی  
می نکند آفتاب جا به سپاهی

هست گل یادشان به سینه مردم  
مهر نگردد به زیر ابر سیه گم

زنده و جاوید تا ابد بود احمد  
هست معینش خدای قادر سرمد

اسارت - ۱۳۶۱





سردار

سردار سرلشکر پاسدار  
شهید مهدی باکری،  
فرمانده لشکر ۳۱ عاشورا

سردار و میر لشکر عاشورا  
پرچم‌فراز سنگر عاشورا

ایثارگر مدافع راه دین  
یار و معین سلسله یاسین

از عاشقان زاده پیغمبر  
بر روح عشق، تابع و فرمانبر

مهدی باکری که ز لطف حق  
بُد طلعتش به جبهه حق رونق

خُبش به اهل بیت ز حد افزون  
حلمش نشان موهبت بی چون

بر دل، چو آرزوی شهادت داشت  
نخل وفا به مزرع دل می کاشت

از بس مطیع و عاشق رهبر بود  
جانش ز نور عشق منور بود

در بدر، در مقابله با دشمن  
تا لحظه ای که داشت رمق در تن

سبقت گرفت از همه همزمان  
تا بر حریم عشق شود مهمان

در لحظه شهادت آن سردار  
شد چشم روزگار ز غم خونبار

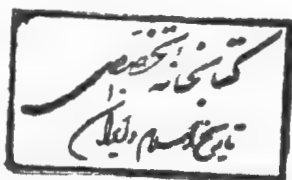
از آبهای هور به صد اعزاز  
شد در جنان به دلبر خود دمساز

عهدی که با سلاله زهرا بست  
ماند استوار تا به خدا پیوست



شهید  
صادق

سردار سرلشکر پاسدار  
شهید مهدی زین الدین  
فرمانده لشکر ۱۷ علی بن ابی طالب<sup>(ع)</sup>



در سنگر عشق، عاشقی سر خوش و مست  
بر لب سخن وصال و ساغر در دست

دل داده به مهر یار و دور از اغیار  
سر مست می ظهور و پیمان الست

همنام به مهدی<sup>(ع)</sup> بُد و در جبهه جنگ  
پیوسته از عشق سمیش سر مست

همراه برادرش مجید از اخلاص  
از جمله جهان به عشق حق دل بگسست

در باختراں دعوت حق را لبیک  
گفت و دل دوستانش از غم بشکست

چون ماه که در هاله گزیند ماوا  
آن ماه میان هاله خون بنشست

از بهر دفاع دین و آیین و شرف  
با روح خدا به خط خون پیمان بست

سردار رشید جبهه خون و قیام  
در دامن خون به حضرت حق پیوست

شناسایی منطقه عملیات - ۱۳۶۳



فرمانده لشکر ۹ بدر

سردار سرلشکر پاسدار  
شهید اسماعیل دقایقی  
فرمانده لشکر ۹ بدر

سردار نامدار و دلاور دقایقی  
خدمتگزار دین پیمر دقایقی

ایثارگر مدافع و سرباز راه حق  
در این نسق گرفته ز دیگر کسان سبق

فرماندهی سرآمد اقران روزگار  
صاحب سریر و منزلت و قدر و اعتبار

همراه با گروهی از انصار مصطفی  
در قدس و در جزایر و در بدر و کربلا

مردانه سرسپرد پی اعتلای دین  
با عزم و با اراده ستوار و آهنین

تا سر به خط پیرجماران سپرده بود  
ره جز طریق عشق به جایی نبرده بود

شیر دلیر معرکه عشق راستین  
سنگر نشین و شب شکن و هستی آفرین

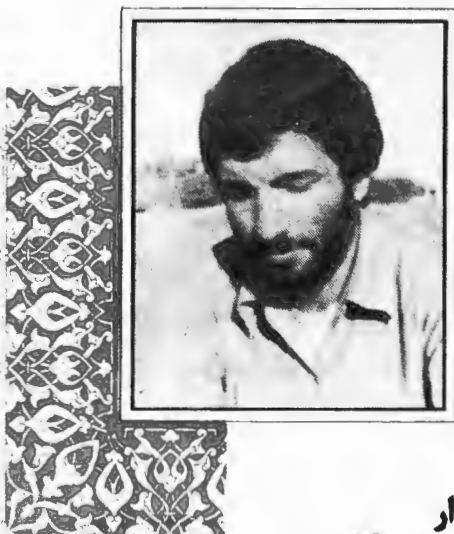
بنهاد جان به راه حسین زمان و داد  
بر مسلمین و اهل ولا درس اتحاد

در کربلای پنج فدا کرد جان خویش  
با خون به لوح عشق رقم زد نشان خویش

تا عاشقان دوست به او اقتدا کنند  
جان را به صدق در ره قرآن فدا کنند

کربلای ۵ - ۱۳۶۵





سَمْعِ  
فَرُوزَانِ

سردار سرلشکر پاسدار  
شهید سید محمدعلی جهان آرا  
فرمانده سپاه خرمشهر

جهان آرای ما آن مهربان مرد  
یگانه پارسا و عارف و فرد

به بزم عارفان شمعِ فروزان  
سر و سردار سربازان قرآن

ز خرمشهر نخلی با طراوت  
خیبر و آگه از اسرار وحدت

تعهد داشت امر رهبری را  
مقام کهتری و مهتری را

به طفلی آن گرامی پور احمد  
گل خوشبوی گلزار محمد

چه زحمتهای که از طاغوتیان دید  
به زندان ستم ظلم گران دید

چو نور انقلاب حق درخشید  
به خوزستان به هرجا خون بجوشید

به خوزستان نوا بر آسمان خاست  
به پیش دشمن دین قامت آراست

چو خرّمشهر شد تسخیر دشمن  
محمد آن جوان پاکدامن

پی دفع ستم با نور ایمان  
گرفته با دگر یاران به کف جان

ز حق شهید شهادت آرزو داشت  
نماز عشق را با خون وضو داشت

همه ذکر و سلامش به خمینی  
بدی ملهم به الهام حسینی

چو بُد همراه اجساد شهیدان  
شد از اهواز عازم سوی تهران

قضا در راهشان بذر ستم کاشت  
برای قتلشان قامت برافراشت

به اوج عرش مردان خدایی  
چو دیگر عاشقان کر بلایی

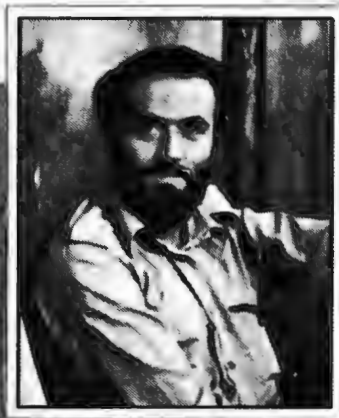
جهان آرا و سرداران لشگر  
فدا کردند جان در راه داور

اگر چه دل از این عالم بریدند  
جهان عشق آنان را مریدند

به رضوان، روحشان با حق قرین شد  
ز خون پاکشان گلگون زمین شد

بعد از عملیات تا من الائمہ (ع) - ۱۳۶۱





سردار  
شفیق

سردار سرلشکر پاسدار  
شهید حسن شفیع زاده  
فرمانده توپخانه نیروی زمینی سپاه

شفیع زاده ابر مرد پاك و آزاده  
كه حق به هر دو جهان قدر و رفعتش داده

بزرگ افسر و سردار لشكر اسلام  
معین امت و غمخوار رهبر اسلام

به انقلاب فداكار و در ره ایثار  
نموده ز جان ز پی امر كردگار نثار

مطیع و پیر و روحانیان حق پرور  
نهاده از دل و جان در طریق قرآن سر

به هر کجا سخن از جنگ کفر و دین می شد  
دلش چو کوره حذاد آتشین می شد

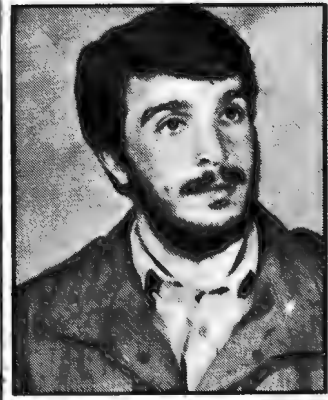
برای دفع ستم با خروش بر می خواست  
به جنگ خصم سپاهی عظیم می آراست

ز واجبات نمی گشت لحظه ای غافل  
بدی حل مسائل چو شمع در محفل

برای فوز شهادت ز حق مدد می خواست  
به روز و شب مدد از خالق احد می خواست

چو در مقام شهادت به حق تولا کرد  
به عرصه گاه شرف اقتدا به مولا کرد

کربلای ۱۰ - ۱۳۶۶



سربدار عشق

سردار سرتیپ پاسدار  
شهید محمود کاوه  
فرمانده لشکر ویژه شهدا

شمع وجود اهل صفا کاوه  
آینه دار بزم ولا کاوه

سردار پاکباز سپاه دین  
سرباز سرفراز ملک آیین

در علم و حلم و عاطفه بوذر  
خدمتگزار عترة پیغمبر<sup>(ص)</sup>

در جبهه سرمدار و حقیقت خواه  
از کید و مکر دشمن دین آگاه

از بهر دفع خصم ستم گستر  
آماده بُد چو کاوه آهنگر

از کومله و منافق و ضدّ دین  
وزخائن ملحد بد آیین

بگرفت انتقام شهیدان را  
از پافکند لشکر شیطان را

در کوههای سرکش کردستان  
تا قلّه‌های پاره و حاج عمران

چون کاظمی و همت نام آور  
در کوه و دشت و دامنه و سنگر

با دشمنان نداشت سر یاری  
آن سان که حکم آمده از باری

سرشار بُد ز موهبت رهبر  
بر حضرتش به جان شده فرمانبر



چون برفراز کوه و دل سنگر  
بگرفت مرغ روح عزیزش پر

از تیپ و یژه شهدا یکسر  
وز شاهدان دلشده دیگر

شور و نشور و غلغله بر پا شد  
فریاد و آه تا به ثریا شد

روحش نمود سوی جنان پرواز  
گردید با عزیز خدا دمساز

کربلای ۲ - ۱۳۶۵





سردار

سردار سرتیپ پاسدار  
شهید عباس کریمی  
فرمانده لشکر ۲۷ محمدرسول الله ص

میر و سردار سپاه و مرد نیک آیین کریمی  
حافظ اسلام و یار مردم مسکین کریمی

یاور جیش محمد اختر برج فتوت  
گوهر بحر کرامت، پیرو آیین کریمی

می رسد از خاک کردستان به گوش از کوه و صحرا  
کز جوانمردی بود شایسته تحسین کریمی

شب ز تسبیح و مناجاتش سخن بسیار دارد  
داشت انس و الفتی بسیار با قرآن کریمی

شیوه فرمانروایی را به آیین پیمبر<sup>(ص)</sup>  
می نمود اجرا به حسن خلق در میدان کریمی

همقدم با همت و جمعی از سرداران اسلام  
بود در میدان کین با دیده حق بین کریمی

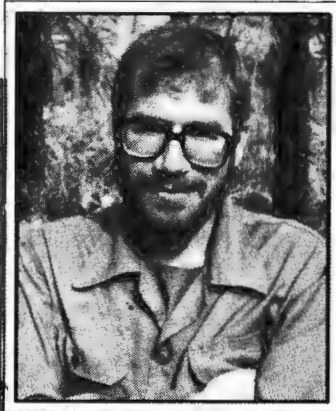
شد به شرق دجله در القرنه با لبخند شیرین  
جان فدای راه حق در لحظه ای شیرین کریمی

گشت مهمان در کنار خان حق تا روز محشر  
هست قدرش برتر از مهر و مه و پروین کریمی

راه او پر رهرو و یادش گرامی باد یارب  
حشر یابد در جزا با عترت یاسین<sup>(ع)</sup> کریمی

تهنیت بر رهبر و بر امت و بر حجت حق  
چون ز خون خویش کرد اسلام را تزئین کریمی

بدر- ۱۳۶۳



طاہر خوشنوا

سردار سرتیپ پاسدار  
 شهید سید محسن صفوی  
 فرمانده قرارگاه مهندسی صراط‌المستقیم

نسل پاک رسول حق صفوی  
 گل خوشبوی باغ مصطفوی

آن بهشتی صفات نیک خصال  
 که بُدی چون بهشتی از هر حال

محسنش بود نام و با ایمان  
 بود در خدمت حسین زمان

پشتکار و تلاش بی حد داشت  
اتکا بر خدای سرمد داشت

داشت با عذّهای ز همدستان  
جا به سنگر به خاک کردستان

بود او را ز راه غمخواری  
با امیران جنگ همکاری

در فنون نظام بینا بود  
در نبرد عدو توانا بود

به بسیج و بسیجی ایمان داشت  
حرمتش را به دل فراوان داشت

انس بسیار داشت با قرآن  
حرمت از اهل بیت داشت به جان

در دعا و نیایشش شب و روز  
اثری بود دلکش و جانسوز

داشت چون راه مستقیم به دوست  
می نگنجید جانش اندر پوست

بود چون در خور عطای کریم  
در فضا کرد جان به حق تسلیم

داشت خط رضای حق در دست  
به شهیدان کربلا پیوست

بعد از کربلای ۵ - ۱۳۶۵







سردار

سردار سرتیپ پاسدار  
شهید ناصر کاظمی  
قائم مقام فرمانده قرارگاه حمزه سیدالشهدا<sup>(ع)</sup>

در منای عشق شد قربان قرآن کاظمی  
جان سپرد اندر طریق عشق جانان کاظمی

راه سالار شهیدان را به جان کرد انتخاب  
شد چو گل در خون پاک خون غلتان کاظمی

داشت پیمان از ازل با دوست در بازار عشق  
کرد سر ایثار در اجرای پیمان کاظمی

در مصاف خصم چون یاران فرزند رسول  
گشت قربان در ره اسلام و قرآن کاظمی

گشت پر پر غنچه عمرش چو از باد اجل  
در جنان شد خرم و دلشاد و خندان کاظمی

طایر جاننش چو از زندان تن آزاد شد  
شد مقیم روضه سرسبز رضوان کاظمی

در کنار مردم مظلوم کردستان از وفا  
کرد جان خود فدا در راه یزدان کاظمی

چون فدای مکتب حق گشت با فرمان دوست  
تا ابد شد جاودان با نور ایمان کاظمی

جان سپرد اندر طریق عشق و از این رهگذار  
گشت بر خوان عطای دوست مهمان کاظمی

آزادسازی محور پیرانشهر - ۱۳۶۱



دلیر سرافراز

سردار سرتیپ پاسدار  
شهید سید کاظم کاظمی،  
معاون اطلاعات کل سپاه

گل گلشن مصطفی کاظمی  
فرزنده شمع ولا کاظمی  
فروغ دل و دیده میهن  
مددکار و همراه اهل یقین



دلیری سرافراز و روشن روان  
سپهدار فرماندهی پرتوان  
دل آگاه و رزمنده ای بی نظیر  
به کار خود آگاه و روشن ضمیر

طرفدار اسلام و دین و کتاب  
فداکار سرداری از انقلاب

به دوران تحصیل در دار و گیر  
گهی بود آزاد و گاهی اسیر  
به روحانیت اخلاص بسیار داشت  
دل روشن و چشم بیدار داشت

■

به خارج ز کشور به ترویج دین  
بدی کار او در خور آفرین  
همه فتنه دشمن انقلاب  
ز سعیش همی گشت نقش بر آب

■

ز تحصیل در خارج از کشورش  
همی بود دست خدا یاورش  
دو نوبت شد آن راد مرد دلیر  
در آنجا به بند ستم دستگیر

■

رهایی چو ار بند بیداد یافت  
خرامان سوی ملك ایران شتافت  
به دفع ستم تیغ بر کف گرفت  
به میدان کین رزم از سر گرفت  
به قرآن در، انس بسیار بود  
ز بس عاشق روی دلدار بود

دلش جز شمیم حسینی نبود  
لبش جز به ذکر خمینی نبود

بُد از جان و دل تابع رهبری  
بُد از کردگارش ستایشگری

به وقت دفاع از بر و بوم خویش  
نُبد غافل از دشمن شوم خویش

چو رزمنده مردان که در کربلا  
نمودند جان و رمق تن فدا

جوانمرد و فرشاد و آزاده بود  
فروتن یلی پاک و افتاده بود

سرافراز فرماندهی نیکخواه  
که بودی به امرش تمام سپاه

ولی بود فخرش در این روزگار  
که در لشکر حق بُدی پاسدار

چو ترکش به فرقش اصابت نمود  
به پیکر لباس شهادت نمود

همانا چو دیگر سران سپاه  
بر او رشك بردند خورشید و ماه

روان مرغ روحش به مریخ شد  
چراغ فروزان تاریخ شد

روانش چو خورشید تابنده باد  
جهان تا بود نام او زنده باد

شهریور ۱۳۶۴ - بعد از عاشورای ۳



سردار سرفراز

سردار سرتیپ پاسدار  
شهید علی رضائیان  
فرماندهٔ قرارگاه مقدم حمزه سیدالشهدا<sup>(ع)</sup>

سردار سرفراز دلاور، رضائیان  
فرزند انقلاب ابرمرد قهرمان

آن تشنهٔ زلال شهادت که در جهاد  
همواره بود پیشرو خیل همریان

با رهنمود راهنمایان حق پرست  
با کاروان نهضت حق بود هم‌عنان

فرمانده سپاه سرافراز حمزه بود  
هم بود همنوا به دلیران کاروان

تا گشت مجری عملیات فجر چار  
گشتند جمله لشکر اسلام شادمان

در امر دین و ذکر و دعا و حدیث عشق  
بودی همواره در خور تشویق دوستان

اهل نماز، عاشق راز و نیاز بود  
هرگز نداشت جز سخن خیربر زبان

غافل ز کسب علم نبود آن بزرگمرد  
حتی به رزمگه بُد ازین فیض کامران

بُد حافظ کلام خداوند و سعی داشت  
باشد همواره همدم و یار سخنوران

با همراهان خویش ز برخورد مین، شدند  
با بال خسته، عازم گلزار جاودان

چون سرخ رو به درگه محبوب یافت  
از لطف دوست در دو جهان اعتبار یافت

وآلفجر ۴ - ۱۳۶۲





فروزان

سردار سرتیپ پاسدار  
شهید محمود ستوده  
قائم مقام فرمانده لشکر ۳۳ المهدی (عج)

فدای راه قرآن شد ستوده  
به راه دوست قربان شد ستوده

ز تیر کین چو مرغ نیم بسمل  
به خون خویش غلتان شد ستوده

به قرب حق، به محراب شهادت  
به خوان عشق مهمان شد ستوده

به طوبی در کنار حوض کوثر  
روان با کام عطشان شد ستوده

چو لب تر کرد از شهد شهادت  
به جنت شاد و خندان شد ستوده

به دیدارش چو آمد از وفا دوست  
ز الطافش ثناخوان شد ستوده

به شرق دجله، در هنگامه بدر  
چو خورشید فروزان شد ستوده

چو بُد محمود بر معبود پیوست  
فدای راه جانان شد ستوده

ز سنگر با رخ گلگون سرافراز  
روان در باغ رضوان شد ستوده

روانش شاد و نامش جاودان باد  
که قربانی قرآن شد ستوده

بهر-۱۳۶۳



سردار جاویدان

سردار سرتیپ پاسدار  
شهید سید محمد رضا دستواره،  
قائم مقام لشکر ۲۷ محمد رسول الله ﷺ

ای جانفدای راه جانان دستواره  
سردار جاویدان قرآن دستواره

ای سرو سرسبز گلستان محمد  
قائم مقام لشکر جانباز احمد

تو غنچه‌ای از گلبن آل رسولی  
فرزند حیدر جوهر جان بتولی

از کوشش و سعی تو در تیپ محمد  
همراه سردار دلاور حاج احمد

در قلّه‌های کوه و در دشت مریوان  
از رزم تو با دشمنان دین و قرآن

با آن صفای باطن و شور و شهادت  
کز جدّ پاکت، ارث بردی با شجاعت

بعد از کریمی بزرگ و حاج همت  
جیش محمد کرد امرت را اطاعت

در خاک کردستان و فاو بیکرانه  
بس جانفشانیها که کردی عاشقانه

در مشکلات جنگ یارت بود احمد  
در هر کجا بُد یاورت دست محمد

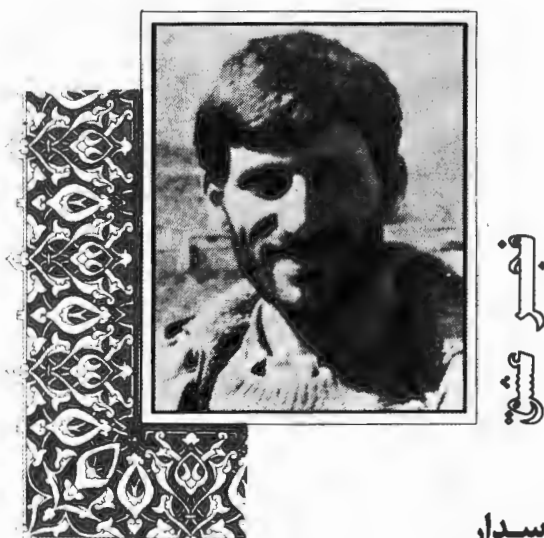
درگیر و دار جنگ با اردوی اشرار  
مجروح شد جسم شریف یازده بار

آخر حسین آسا به راه حی داور  
گردید جسم اطهرت در خون شناور

یادت هماره در زمانه جاودان باد  
نفرین حق، هر دم نصیب دشمنان باد

کربلای ۱ - ۱۳۶۵





سردار سرتیپ پاسدار  
شهید غلامرضا صالحی  
قائم مقام فرمانده لشکر ۲۷ محمد رسول الله «ص»

آنان که ره به بارگه دوست برده‌اند  
سر در طریق عشق و شهادت سپرده‌اند

بر دیو نفس خیره، ره چاره بسته‌اند  
هرگز فریب رنگ و ریا را نخورده‌اند

با تیغ حلم سز ستم را شکسته‌اند  
از دل غبار کبر و حسد را سترده‌اند

در فجر عشق سربه ره دوست داده‌اند  
دل در وفای عهد به دلبر سپرده‌اند

تا سرزند ز تربت شان لاله مراد  
در خون خویش لاله صفت غوطه خورده‌اند

چون صالحی به پای خمینی سپرده سر  
از دیده، اشك شوق چو گوهر فشرده‌اند

در سنگر مجاهده با دشمنان دین  
يك عمر رنج و حسرت بسیار برده‌اند

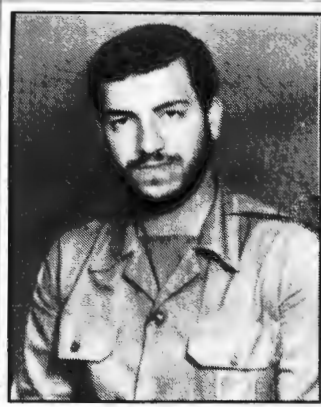
تا لحظه‌های آخر عمر عزیز خویش  
با یاد دوست وقت غنیمت شمرده‌اند

تا روز حشر نام شهید است جاودان  
هر چند همچو برگ شقایق فسرده‌اند

باشد شهید مشعل تاریخ و شك مدار  
کاین شاهدان سنگر قرآن نمرده‌اند

پاتك به تعرض دشمن - ۱۳۶۷





سید باقر

سردار سرتیپ پاسدار  
شهید سید باقر طباطبایی نژاد  
فرمانده قرارگاه تاکتیکی نصر

رزمنده یلی حق نگر و با ایمان  
عیسی نفسی مطیع امر قرآن

در سنگر رزم، قهرمانی آگاه  
در مکتب عشق، آفتابی تابان

از نسل طباطبایی پاک نژاد  
آراسته قامتی به ملک ایمان

در راه عقیده، پیرو راه حسین<sup>(ع)</sup>  
در دفع ستم، به سان خشم توفان

در کوی منای دوست چون اسماعیل  
بگرفته به کف، پی رضای حق جان

فرزند امام و تابع امر امام  
با قیمت جان بسته به عشقش پیمان

در جبهه حق به خون خود بست وضو  
تا در ره محبوب کند جان قربان

چون بود ستمی باقر علم نبی  
ممتاز ز همگان بُد از فن بیان

در اول جنگ با دلاور مردان  
بنمود مکان به جبهه کردستان

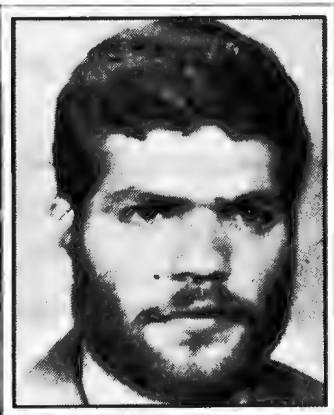
چون شمع به بزم عشق سرتا پا سوخت  
تا نور دهد به جمع دلسوختگان

در راه عراق، در کمین دشمن  
گردید شهید راه دین در میدان

تا هست جهان همیشه باشد جاوید  
آن مظهر آزادی و محبوب زمان

کمین دشمن - ۱۳۶۷





گلستان آزادی

سردار سرتیپ پاسدار  
شهید غلامرضا آزادی  
معاون عملیات قرارگاه قدس

فدا به سنگر دین گشت جان آزادی  
درود و رحمت حق بر روان آزادی

از آن رضا به رضای خدا شد آن سردار  
که بُد رضا و رضا بُد نشان آزادی

به جبهه بهر دفاع کیان دین و وطن  
به کار رفت تمام توان آزادی

ز عطر نام بلندش به خاک کردستان  
هماره سبز بود گلستان آزادی

به کام لشکر حق بود چون عسل شیرین  
کلام دلکش و شهد بیان آزادی

نکرد پشت به دشمن، نداشت بیم از خصم  
که بود رحمت حق پشتیبان آزادی

بداد جان و نشد بر عدوی دین تسلیم  
بود بهشت برین آشیان آزادی

ز جبهه گشت روان سوی بیت و در میدان  
روان به خلد برین شد روان آزادی

بود چو خوشتر از این کز میان حجله خون  
خدای کعبه شود میزبان آزادی

بود رضا ولی عصر حق ز سربازی  
که پیروی کند از آرمان آزادی

نصر ۴-۱۳۶۶

